

## رفراندم؛ از توهم تا واقعیت!

میثم هاشمی

Showan\_sh@hotmail.com

آذر ماه سال ۷۹ در دانشگاه امیرکبیر همایشی برپا شد بنام اعتراض به شکل گیری انسداد سیاسی در ایران که بعد از وقایع اسفناک ۱۸ تیر ۷۸ و دستگیری گسترده نیروهای اصلاح طلب بخصوص مدعوین کنفرانس برلین شکل گرفته بود. در این همایش آقایان علی افشاری دبیر سیاسی تحکیم وحدت، عزت الله سبحانی رئیس ایران فردایی ها و میثم سعیدی نماینده مردم تهران در مجلس شورا سخنرانی کردند.

همان سخنرانی که در آن آقای افشاری از بازداشت های صورت گرفته به خشم آمده بود و از مسئولان نظام اسلامی خواست یا نام جمهوری را حذف کنند یا پسوند اسلامیش را و آقای سبحانی که در آن زمان هنوز گوشه چشمی به رژیم دیکتاتور اسلامی نشان نداده بود، استراتژی دفاع فعال را بجای آرامش فعال مشارکتی ها مطرح کرده بود و بهمین علت چند روز بعد هر دو روانه اوین شدند که در نهایت یکی در زندان ماند و عقایدش را حفظ کرد اما دیگری آزاد شد و عزم جزم ملحق شدن به جمع یاران نظام اسلامی از طریق رفراندم معلوم الحال کرد.

اما آقای سعیدی که بنظر دوراندیشی بیشتری داشت رفراندم را مطرح کرد و اطمینان داد که نمایندگان منتخب در نهایت از این حربه برای پیش بردن خواست های مردم استفاده خواهند کرد. در انتهای همایش که بنظر می رسید آقای سعیدی در مدت کوتاه بعد از سخنرانی متوجه شده بود که رفراندم بدون تصویب شورای نگهبان قابل اجرا نیست صادقانه در یک لحظه پشت میکروفون آمد و گفت اگر نمایندگان جناح اصلاح طلب بدلیل فشارها نتوانند خواست های مردم را پیش ببرند دست جمعی استعفا خواهند داد.

اکنون ۳ سال از آن زمان می گذرد و بحث همه پرسی یا رفراندم به بایگانی پیوسته است اما مدتی است که کلمه رفراندم دوباره بر سر زبان ها افتاده است و برخی افراد و گروه ها بخصوص جناب آقای عباس امیرانتظام که خود مطلع از این نمایش هستند مشغول تبلیغ و ترویج آن شده اند و معتقدند ملت باید با پیگیری شعار رفراندم در پی تغییر رویه حاکم در جهت دستیابی به خواست های خود باشند. مقوله ای که از ۲ خرداد سال ۷۶ به بعد برای مشروعیت بخشیدن به فعالیت های جناح چپ حکومتی و البته رژیم جمهوری اسلامی مورد استفاد بهینه قرار می گرفت و در ۹ اسفند ۸۱ نیز با آگاهی مردم دوران این رفراندم های نمایشی به پایان رسید. رفراندم هایی که طی آن اصلاح طلبان یا امیدواران به اصلاحات به کمک آرای مردم به نهادهای حساس حکومت اسلامی راه یافتند تا تأثر جمهوری اسلامی این بار با چهره های جدید و نمایشنامه جدید به روی صحنه سیاست ایران قدم بگذارد و افکار عمومی

ایران و جهان را به بازی بگیرد تا به عمرش اضافه گردد .

اما این فراندوم به چه معنی است و آیا قابل بحث در شرایط فعلی هست یا نه ؟  
معنی تحت اللفظی فراندوم یعنی برگزاری یک همه پرسی از طریق رجوع به افکار عمومی اما این فراندوم ملزومات گریز ناپذیری دارد که نمی توان بی تفاوت از کنار آنها گذشت و نادیده شان گرفت .  
گرچه تمامی این لوازم در میوه گرانهای آزادی خلاصه می شود اما از مهمترین آن می توان به احترام به نتیجه همه پرسی ، جمع ضدین بودن انتخاباتها ، امنیت اجرائی فراندوم و توجیه رویه انتخاب فراندوم بعنوان راه حل اشاره کرد .

در مطالب زیر به این موارد پرداخته می شود :

### ۱- احترام به نتیجه همه پرسی

در واقع احترام به انتخاب افکار عمومی جامعه و جامع عمل پوشاندن به آن ، عامل اساسی اجرای فراندوم است وگرنه انجام فراندوم فقط برای اطلاع از نوع نگرش مردم صورت نمی گیرد و در صورت عدم تمکین یک نظام به نتیجه آراء عمومی ، اجرای فراندوم فقط برای سرپوش گذاشتن بر عدم مشروعیت رژیم حاکم نزد افکار عمومی جامعه تلقی می گردد .  
افکار عمومی و بطبع ملتی که از سوی مسئولان ارشد جمهوری اسلامی بعنوان یتیمانی تلقی می کردند که ایشان سرپرستی آنها را برعهده دارند و می توانند هر تصمیمی را برایشان بگیرند .  
مردمی که نمی فهمند و باید تحت کفالت و ولایت یک رهبر مذهبی قرار داشته باشند .

سال ۷۶ مردم راه سیستم اصلاحی و آزادی های اجتماعی- اقتصادی- سیاسی را برگزیدند و به گوینده این شعارها رأی مثبت دادند ، در نتیجه نوع نگرش مردم به آینده مشخص شد اما آیا به این نتیجه احترام گذاشته شد یا اینکه با اعمال فشار مسیر این انتخاب عوض شد ؟

ابتدا آزادی های مشروطی و معینی به جامعه داده شد اما پس از دو سال نه تنها همین آزادی های ناقص سلب گردید بلکه اوضاع به مراتب بدتر از قبل سال ۷۶ گردید . بسیاری از نیروهای مخالف کشته شدند ، بسیاری از دانشجویان و فعالان سیاسی برای اینکه بیانگر نظرات افکار عمومی بودند روانه زندانهای طویل المدت شدند و روزنامه ها ، تجمعات و همایش ها بطور کامل لغو گردید که این به معنی عدم احترام به افکار عمومی جامعه است .

۹ اسفند سال ۸۱ نظر افکار عمومی ایران در مورد حکومت جمهوری اسلامی به وضوح و آشکارا بیان گردید . عدم شرکت بیش از ۸۵٪ مردم در شهرهای بزرگ و بیش از ۶۰٪ کل جمعیت واجدین شرایط رأی دهی در ایران تنها بیانگر عدم تعلق خاطر مردم به این نظام و سیاست گذارانش اعم از چپ و راست است اما آیا این به این نکته پرداخته شده یا اینکه با تلاش بی وقفه ای هر دو گروه چپ و راست مشغول توجیه رویکرد مردم به نفع خود هستند ؟

آیا این نظام به زعم دوستان اپوزیسیون و طرفداران رفراندوم در صورت وقوع رفراندوم مورد نظرشان به نتیجه آن تمکین می کنند؟ یعنی در صورت رأی مردم به رژیمی لائیک و غیر دینی مسئولان رژیم جمهوری اسلامی حاضر به ترک مسالمت آمیز قدرت می باشند؟

## ۲- جمع ضدین بودن انتخاب ها

از لوازم دیگر رفراندوم تجمع گزینه های ضد هم برای انتخاب شدن توسط افکار عمومی است به این معنی که نباید گزینه ها تماماً منجر به انتخاب یک راه شوند و متشکل از یک گزینه باشند که بسط داده شده است بعلمت اینکه به این ترتیب نتیجه انتخابات از قبل تعیین شده است و مردم در این بین برای نمایش فراخوانده می شوند نه برای ابراز نظرات خود و تعیین مسیر آینده.

بطور مثال در رفراندومی که رژیم دیکتاتور بعث عراق چند سال پیش برگزار نمود نتیجه انتخابات رأی ۱۰۰٪ برای صدام حسین اعلام گردید که بسیار مضحک و تمسخرآمیز است و تنها نمایش قدرت و بازی گرفتن افکار عمومی دنیا را به افکار تداعی می کند. این یک نمونه از رفراندوم فرمایشی در حکومت های دیکتاتور است که گزینه ای غیر از مورد مطلوب دیکتاتور ها در آن یافت نمی شود.

انتخابات سال ۷۶ هم در ردیف همین رفراندم هاست. انتخاب آقای خاتمی در بین چهار نفر که همگی جزء اصحاب انقلاب محسوب می شوند انتخاب بین بد و بدتر است نه انتخاب بهترین فرد برای حکومت. انتخاب بین چهار نفر که یکی کارمند ثبت احوال بود آقای زواره ای، دومی نماد نظام اطلاعاتی و خفقان پلیسی آقای ری شهری، سومی نماد یک سرسپرده به ولی فقیه و مجری اوامر ملوکانه رهبری آقای ناطق و آخری در شعار خواهان آزادی های اجتماعی- سیاسی- اقتصادی و خواهان حفظ حکومت اسلامی از طریق اصلاح ساختار آن و این به این معنی است که مخالف و موافق در تمام گزینه ها خواهان حفظ یک نظام جمهوری اسلامی هستند، در یک راه قدم بر می دارند و در نهایت تابع رهبر هستند و اختیاری ندارند. در این بین فقط نوع حرکت متفاوت است وگرنه هیچ تفاوتی بین به انتخاب گذاشتگان وجود ندارد.

همینطور است رفراندوم ۹ اسفند ۸۱ با این تفاوت که مردم بعد از شرکت در چهار رفراندوم به این آگاهی جمعی رسیدند که تمامی اشخاص و گروههای شرکت کننده در رفراندوم ها از نظر نوع نگرش باهم تفاوت ندارند و یک هدف را دنبال می کنند و آن حفظ نظام است نه توجه به خواست های افکار عمومی و مرتفع ساختن نیازهای آنها.

با توجه به مطالب بالا آیا این نظام گزینه هایی مانند نظام دموکراتیک لائیک، جمهوری، سلطنت مشروطه و الاخ را در بین گزینه های انتخابی قرار خواهد داد یا اینکه بزرگترین مرحمتش قرار دادن نظام دموکراسی دینی در بین گزینه هایی مانند حکومت دینی، جمهوری اسلامی و انواع حکومت اسلامی و دینی دیگر خواهد بود که در آخر همگی گزینه ها به یک هدف که آن حفظ مذهب در ساختار

سیاست و حکومت ایران است ختم خواهد شد ؟

### ۳- امنیت اجرائی رفراندوم

ضمانت اجرائی یا تضمین صحت انجام رفراندوم یکی از مهمترین ارکان رفراندوم است که مربوط به نتیجه حاصل از رفراندوم می شود که علت اصلی برگزاری آن تلقی می گردد . یعنی مقامات حکومتی نباید با قلب واقعیت و تغییر نتیجه ، رفراندوم را لوث کنند و آراء عمومی را در جهت تأمین اهداف خود تغییر دهند .

رفراندوم سال ۷۸ مجلس شورا نمونه ای از این نوع تأمین اهداف است . در حالیکه در تهران آقایان منتجب نیا و رجائی خراسانی در انتهای لیست انتخاب شدگان قرار داشتند در یک حرکت خارق العاده و اعجاب انگیز هر دو نفر از لیست حذف شده و آقای حداد عادل ( پدر زن پسر آقای خامنه ای ) به انتهای لیست تهران اضافه شدند . رفراندوم در بسیاری از صندوق ها و شهرستانها مانند خلخال بطور کل و بدون دلیل باطل اعلام شد تا محافظه کاران در مجلس دارای اقلیتی محکمتر و با ثبات تر گردند .

رفراندوم ۹ اسفند سال ۸۱ هم نمونه دیگری از این قلب واقعیت هاست . میزان رأی دهندگان یا واجدین شرایط در این رفراندوم از سوی وزارت کشور با توجه به کاهش سن رأی دهندگان از ۱۶ سال به ۱۵ سال **۴۱ میلیون نفر** عنوان شد در حالیکه یک سال قبل آن در انتخابات سال ۸۰ ریاست جمهوری با اینکه سن رأی دادن ۱۶ سال بوده است میزان واجدین شرایط از سوی وزارت کشور **۴۲ میلیون نفر** و بر اساس بعضی اظهار نظرها **۴۶ میلیون نفر** اعلام شده بود . در نتیجه چطور ممکن است با توجه به کاهش یک ساله سن رأی دهندگان در سال ۸۱ میزان واجدین شرایط بجای افزایش رو به کاهش گذاشته باشد . مگر اینکه با توجه به نظر سنجیهای بعمل آمده ، همچنین با توجه به سرخوردگی مردم از اصلاحات و اطلاع مسئولان جمهوری اسلامی از این امر ، میزان واجدین شرایط در راستای عدم انعکاس واقعیت میزان نفرت مردم از رژیم **حداقل بیش از ۳ میلیون نفر** کاهش یافته باشد .

در حالیکه میزان مشارکت مردم در شهرهای بزرگ ۱۵٪ و در کل ایران ۴۰٪ یعنی ۱۶/۵ میلیون نفر اعلام شد واقعیت ها از چیز دیگری حکایت دارد . طبق نتایج منتشر نشده مشارکت مردم در تهران کمتر از ۱۲٪ بوده و در کل ایران کمتر از ۳۵٪ واجدین شرایطی بوده است که وزارت کشور آنها را ۴۱ میلیون نفر اعلام کرده بود .

اکنون به این میزان اضافه کنید بیش از ۱۵٪ آراء باطل شده بنام هایی مانند علی ، محمد ، داریوش ، هایده و الاخ و همین طور بیش از ۳ میلیون نفر واجد شرایط که در اعلام میزان واجدین توسط وزارت کشور کاهش یافته اند . جالب اینجاست که آقایان خامنه ای و خاتمی که مسئولان نظام هستند و حرفشان باید بعنوان سند تلقی گردد در دو سخنرانی و اظهار نظر برخلاف اعلام وزارت کشور میزان شرکت کنندگان

در انتخابات ۸۱ را بترتیب ۲۵ و ۲۰ میلیون نفر اعلام کرده اند .

گروهی برای ضمانت اجرائی و عدم تقلب در بهترین حالت ممکن رفراندوم تحت نظارت سازمان ملل را پیشنهاد می دهند . اما صرف پیشنهاد نمی توان به مسئله ای وقوف یافت . این پیشنهاد بسیار متزلزل و نشانه رفع مسئولیت حامیان رفراندوم از نتیجه آن است . رژیم اسلامی به نمایندگان کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل اجازه بازدید از ایران را نمی دهد و تنها زمانی به این کار رضایت می دهد که تحت فشار های بین المللی و اتحادیه اروپا قرار می گیرد و وقتی اجازه می دهد ، وزارت اطلاعات دولت اصلاحاتش هتل لاله را با مأمورین گمنام امام زمان محاصره می کند ، تلفنهای هتل بشدت کنترل می شود ، تعدادی از زندانیان به زندانهای امن انتقال یافته و در برکه صورت وضعیت شان مرخصی درج می گردد تا مبادا کسی بی داد این رژیم را به گوش نمایندگان سازمان ملل برساند . با این احوال چطور می توان انتظار داشت مسئولان این حکومت به نمایندگان سازمان ملل اجازه دهند که نقش حافظ رفراندومی را برعهده گیرند که نتیجه آن غیر از تغییر حکومت جمهوری اسلامی نیست .

بسیار ساده انگارانه و ساده لوحانه است اگر ما انتظار داشته باشیم رژیمی دیکتاتور و غیر مردمی به مرگ خود با دست خود رضایت دهد و آنرا تسریع نماید .

با توجه به موارد بالا آیا نظامی که به نیروهای چپ داخل حکومت اجازه تغییرات جزئی و آزادی های محدود را نمی دهد و با انواع خدعه و فشار نتیجه رفراندوم های گذشته را تا حد امکان تغییر داده است می تواند انتظار داشت ضمانت صحت رفراندومی را برعهده گیرد که برگذار کردن آن جز سرنگونی اش نتیجه ای به بار نخواهد آورد ؟

#### ۴- توجیه رویه انتخاب رفراندوم

رویه انتخاب راه کار رفراندوم در شرایط فعلی ایران بنظر منطقی و معقول نمی رسد بعلت اینکه رفراندوم باید در کشوری برگزار شود که مردمانش آزاد ، مستقل و بدور از هرگونه فشاری به پای صندوق های رأی بروند و آینده خود را ترسیم کنند . کشوری که در آن حاکمان به نتیجه آراء مردم احترام بگذارند و به آن عمل کنند! کشوری که در آن تمامی شرکت کنندگان نظراتشان را در انتخاب هایشان بیابند ! کشوری که در آن آراء مردم به قیمت بقاء حاکمان فروخته نشود !

در ضمن انتخاب رویکرد رفراندوم و پیشنهاد پیگیری آن از سوی افکار عمومی و ملت ایران بعد از انتخابات ۹ اسفند شاید دور از واقعیت جامعه ایران باشد بعلت اینکه در این انتخابات مردم نشان دادند که حتی با وجود حضور نیروهای نامدار ملی- مذهبی در انتخابات که برای همراهی نظام دیکتاتور اسلامی و تداوم آن وارد صحنه شده بودند و تأکید ایشان بر حضور مردم در پای صندوق های رأی ، این رژیم

اسلامی به هیچ وجه مورد تأییدشان نیست و از دور باطل رفراندوم در ایران خسته شده اند و اعتمادی به تأثیرگذاری آن ندارند .

اما رفراندوم پیشنهادی نه تنها حائز هیچ یک از شرایط بالا نیست بلکه بنظر می رسد که دست آویز جدیدی باشد یا شود برای بقای بیشتر رژیمی که از ریشه پوسیده و آخرین سالهای عمر خود را پشت سر می گذارد و باید بشدت از این رویه اجتناب کرد .

اکنون شش سال از آغاز اصلاحاتی می گذرد که ابتدا از سوی بسیاری از روشنفکران داخلی و خارجی مورد حمایت قرار گرفت و بعنوان یک راه کار مطرح گردید اما با گذشت این شش سال نه تنها این راه کار عدم کارائی خود را به اثبات رساند بلکه موجب شیوع سرخوردگی و یأس شدیدی میان اقشار مختلف جامعه و مخصوصاً دانشجویان گردید و روحیه ملت را فرسوده و تضعیف کرد . بطوریکه آمار خودکشی رو به افزایش چشم گیری گذاشته و بطبع میل به زندگی در میان ایرانیان به شدت در حال نزول است بنابراین به وجود آوردن راه کار رفراندوم و امیدوار کردن مردم در صورتی که احتمال ختم به نتیجه مثبت شدن آن بیش از ۷۰٪ باشد قابل بحث و پی گیری ست وگرنه این راه کار با شکست حتمی خود فاجعه بزرگی را رقم خواهد زد که قابل جبران نخواهد بود .

کمی بیشتر بیاندیشیم ...

فقط به هدف فکر نکنیم و راه را هم در نظر بگیریم گرچه در تعیین راه هم باید مجاری اصولی و منطقی را در نظر داشت و در تبیین آن کوشید .

اینطور که معلوم است فرهنگ ما طوری است که ما به روش و راه اعتقاد و اعتنائی نداریم . فقط هدف را مطرح می کنیم بدون اینکه در نظر بگیریم آیا این هدف قابل دستیابی است یا نه ، اگر هست از چه راهی می توان به آن دست یافت بدون اینکه زحماتمان به حدر برود .  
بیایید دست از تمرکز صرف بر روی اهداف گرائی بر داریم و راه ها را در یابیم .

صدمات این راه کار « رفراندوم » بسیار زیاد و غیر قابل جبران است ،

**اندکی بیشتر بیاندیشیم ...**